

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۱۲۱ دعای بیستم
جلسه ۴۰۰ شرح دعای صحیفه سجاده

۱۴۰۳/۱۰/۱۷

- پیامدهای ویرانگر اسراف
- برکت، اندکی است که فایده فراوان دارد
- انواع انفاق
 ۱. انفاق عام
 ۲. انفاق خاص
- صدقه خالصانه، صدها، بلکه هزاران برابر می شود
- موارد جایز آشکار کردن صدقه
- انفاق هم باید بابرکت باشد
- ماه رجب، ماه اختصاصی دعاست
- تویح ناحیه مقدسه در ماه رجب، دعای مورد توصیه رهبری
- درخواست اصلی دعا
- جلوه خاص قول ثابت
- سیری مختصر در فرازهای دعا
- طهارت معنوی، کارکرد اصلی ماه رجب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردمهد

این قطعه دعای شریف مکارم الاخلاق را که محل مباحثه مان بود این را یک اشاره‌ای به آن داشته باشیم. خاطر مبارکتان هست که بعد از صلوات بر محمد و آل محمد و مدد گرفتن از باطن اولیاء خدا مطلبی که در اینجا مطرح می‌شود یک مطلب بسیار بسیار مهم است و آن عبارت است از در حصن الهی قرار گرفتن نسبت به اسراف. اسراف در واقع کفران نعمت است، گناه کبیره است و بدترین رفتار ممکن با نعمت‌ها است. به خدا پناه می‌بریم. عوارضش هم بسیار خطرناک است؛ هم به لحاظ مادی، هم به لحاظ معنوی. در این باره توضیحاتی عرض کردیم. «وَأْمَنْعِنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصَّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ» گفتیم یکی از عوامل نابود شدن رزق انسان همین اسراف است. یادتان هم باشد عرض کردم عیب ملی است و به آن گرفتاریم. ما یک ملت مسرفی

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأْمَنْعِنِي مِنَ السَّرْفِ، وَحَصَّنْ رِزْقِي مِنَ التَّلْفِ، وَوَفِّرْ مَلَكَتِي بِالْبِرِّ كَيْفَ فِيهِ، وَأَصْبِ بِي سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقُ مِنْهُ.»

اولاً به همه برادران و خواهران عزیز ایام پرنور و شب‌های ملکوتی و آسمانی ماه مکرم رجب را تبریک عرض می‌کنم، ان شاء الله که خدای متعال از برکات این ایام و از حقایق و اسراری که در این قطعه نورانی از زمان تعبیه شده است همه ما را بهره‌وافر کرامت کند.

پیامدهای ویرانگر اسراف

من به عنوان شکر نعمت ماه مکرم رجب یک چند جمله‌ای ان شاء الله در این ارتباط صحبت خواهم کرد و قبلش

گناه خطرناک در حصن الهی قرار بدهیم «وَأَمْنَعِنِي مِّنَ السَّرْفِ» خدایا من را حفظ کن، نگه‌دار از ابتلاء به اسراف.

از جمله عرض کردیم نکبتی که حاصل اسراف است تلف است، از بین رفتن بهره‌مندی‌ها و نعمت‌ها و رزقی که ما داریم. خیلی وقت‌ها رزق ما تلف می‌شود و یکی از علت‌هایش این است. البته علت، علت منحصر نیست، دلایل دیگر هم هست. یادتان باشد با همدیگر مباحثه کردیم و اشاراتی به آن شد.

برکت، اندکی است که فایده فراوان دارد

بعده فرمود: «وَوَفَّرْ مَلَکَتِي بِالْبِرِّکَةِ فِيهِ» خدایا بهره‌مندی‌های من را با برکت فراوان قرار بده. این فراوانی هم فراوانی مادی است، هم فراوانی معنوی است،

هستیم و خیلی از اشکالاتی که به رغم بهره‌مندی از ولایت اولیاء خدا در کارهایمان هست، در معیشت‌مان هست، در زندگی‌مان هست، در بهره‌مندی از مواهب آسمان در کم شدن باران و برف و امثال این‌ها هست، در ابتلای به هوای کثیف، فهرست آن طولانی است. در بداخلاقی‌ها و امثال این‌ها، خیلی‌هایش ناشی از همین گناه مشترکی است که همه ما به آن مبتلا هستیم؛ اسراف، خدا به ما رحم کند، استغفار می‌خواهد، شناخت موضوع می‌خواهد و اینکه هر کدام از ما، خودش در ارتباط با این مسأله اهتمام داشته باشد، چون یک گناه وقتی عادی و فراگیر می‌شود، عادی که شد دیگر گناه شمرده نمی‌شود، چون برای طرف دیگر اهمیت ندارد، حالا هر کسی در شرایط خاص خودش. پس امیدواریم ان شاء الله خودمان را از این

عمری نکرده، پنجاه و چند سال‌شان بود ظاهراً ایشان از دنیا رفت. اما برکت را ببینید، البته بعضی‌ها عمرشان طولانی است الحمدلله و همه‌اش برکت است مثل امام راحل عزیزمان، آن دیگر سراسرش برکت است و خیلی دیگر از مصادیق. منظور اینک این «و وَفَّرَ مَلَكْتِي بِالْبَرَكَهٖ فِيهِ» یعنی آنچه که از دارایی‌ها در اختیار من هست مخصوصاً همین چیزهای مادی که دارم، این با برکت کثیرالفایده بشود، متوفر بشود. این توفیر هم می‌تواند به معنای این باشد که من مال‌ام زیاد بشود، دیدید می‌گویند برکت کرد. مثالش را هم زدیم. می‌گوییم مال خودش برکت می‌کند. گاهی بعضی‌ها دست‌شان برکت است. در تجارت می‌روند برکت است، در کسب و کار برکت هستند، در اقداماتی که انجام می‌دهند، وجودشان برکت است، کثیرالفایده هستند، این

مخصوصاً عنایت دارید برکت معنایش این است، اینجا در واقع درخواست برکت است، که من در بهره‌هایی که دارم، آنچه که به من روزی کردی، دارایی‌های من در آن برکت باشد و از رهگذر برکت متوفر بشود، یعنی چی؟ یعنی کمی که فایده فراوان داشته باشد. گاهی انسان اینکه دارد به حسب ظاهر کم است ولی خیلی کار آن از می‌آید، این می‌شود برکت. اما یک وقت‌هایی نه، یک مال خیلی زیاد دارد ولی کارگشایی ندارد، فایده خیلی ندارد. فایده حداقلی از مال زیاد و بهره‌های زیاد، این‌ها است. یک کسی می‌بینید عمر خیلی طولانی می‌کند مثلاً چند ده سال عمر می‌کند اما خیلی اثری، خاصیتی، فایده‌ای در عمرش نیست. یک کسی می‌بینید یک عمر کوتاه دارد ولی عالم پر می‌شود از برکت آن عمر کوتاه‌ش. شهید مطهری

چنین هستند. بعضی وقت‌ها مال‌شان خیلی متوفر نیست به این معنا، که مالش خیلی زیاد بشود و در عین حال برکت کند بلکه همان اندکش خیلی کثیرالفایده است، یعنی هم خودش خوش است، آرامش دارد، چرخ زندگی‌اش به کفاف می‌چرخد، هم خیرش به دیگران می‌رسد، با اینکه خیلی هم مالی ندارد ولی کثیرالخیر است و خیرش به دیگران می‌رسد، سفره‌دار است، آبرودار است، این گونه است. همان اندکی که دارد، هم کارگشایی در زندگی خودش دارد هم برای دیگران کارگشایی دارد. امان از آن کسانی که زندگی‌شان نکبت است، نقطه مقابل این است؛ نکبت در نکبت است. هرچه هم بیشتر دارند نکبت‌شان بیشتر است، زندگی خودشان نکبت، زندگی کسانی که با این‌ها کار می‌کنند خراب، حال‌شان خراب، نه در آن نورانی‌تی هست،

نه معنوی‌تی هست، نه صفایی هست، نه آن عالم حسب الهی در زندگی‌شان هست. بعد تازه هر کسی هم با این‌ها مرتبط بشود، از آن تاریکی از آن نکبت به آن‌ها هم منتقل می‌شود. مثل اموال ربوی و این‌ها که گاهی مثالش را زدیم، پول زیاد دارند ولی هم خودشان گرفتار آتش و نکبت هستند هم دیگران. هر کسی با آن‌ها طرف این جور برنامه‌ها می‌شود زندگی‌اش پر از نکبت می‌شود. در هر صورت آن نقطه مقابل است. پس «وَوَفَّرْ مَلَکَتِی بِالْبَرَکَةِ فِیْهِ» یک مقدر راجع به برکت و عوامل و موانعش و این‌ها جلسه پیش صحبت کردیم. یک نکته را هم من جلسه پیش تأکید می‌کردم که در قرآن کریم برکت به شکل مفرد نیامده است، برکات آمده آن هم یک بار، نه سه بار، سه بار در قرآن آمده متنها همان به لفظ جمع

می‌دانید انسان باید برای تمام آن هم جواب آماده کند. از سؤالاتی که از ما می‌پرسند این است: کجا خرج کردی؟ چون یک سؤال این است که از کجا درآوردی، که بحث حلال بودنش اینجا زیرسؤال می‌رود. از کجا به دست آوردی؟ سؤال بعدی که ما باید جوابش را آماده کنیم این است که کجا خرج کردی؟ هزینه کردی؟ این را باید انسان برای آن جواب داشته باشد، چون یادتان هست روایتش را خواندیم که گفت: «المال مال الله»^۱ این مال برای خداست، امانت پیش توست. تو مالک نیستی. تو امین هستی، خدای متعال امانت به تو داده، اصلاً وجود تو امانت است تا برسد ضمائم آن، همه‌اش امانت است. چند صبحی در اختیار شما است، لذا شما باید نظر مولا و

آمده است، همان کلمه برکات که یک مثال آن را جلسه پیش برای شما توضیح دادم.

انواع انفاق

۱. انفاق عام

بعد فرمود: «وَ أَصْبَ پِي سَبِيلِ الْهَدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقَ مِنْهُ.» چه درخواستی است. این درخواست در واقع این است؛ ما در زندگی مان دو نوع انفاق داریم؛ یک انفاق عام داریم، یک انفاق خاص داریم. انفاق عام یعنی هزینه کردن موجودی‌ها، به این می‌گویند انفاق، می‌گوییم خرج کردن، شما خرج می‌کنی برای سفره زندگی‌ات، خرج می‌کنی برای مسکن، خرج می‌کنی برای کارهای مختلفی که داری، برای فرزندان، برای عزیزانت بالاخره خرج می‌کنی، این خرج کار عمومی است، همه این جنس انفاق را دارند. که

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۱۶.

مسکن، در خوراک، در چه و چه این چیزها می‌شود. پس این انفاق، این هزینه کردن معنایش این است که از قاعده خارج شده است، باید طبق قاعده باشد. قاعده مشروع؛ من این هزینه‌ای که می‌کنم باید برای آن حجت داشته باشم بین خودم و خدای متعال. مال خودم است و هر جور دلم می‌خواهد این خبرها نیست، مال خودت نیست، هیچ این خبرها نیست. یک توهم است، یک خیال باطل است، کسی در این عالم مالک نیست. یک بازی است، این ابتلاء است، یک امتحان است، کل آن. این چنین است. پس این می‌شود انفاق عام. انسان مؤمن هزینه کرد او به قاعده است، آن وقت به قاعده است یادتان هست یکی اینکه تمیز و مشروع است، دوم اینکه اندازه دارد، یعنی نه اهل بریز و پاش است، نه اهل اقتار و امساک است. نخیر؛ یک حالت میانه‌ای دارد. آیه‌اش را برای

صاحب را در ارتباط با آنچه که به شما امانت داده باید ملاحظه کنید، رعایت کنید. لذا این رعایت کردن در هزینه‌کرد خیلی اهمیت دارد. کجا خرج کردی؟ لذا آن کسی که گرفتار اسراف شده باشد آن جا جواب ندارد، اگر کسی اسراف کرد، اگر کسی تبذیر کرد، پاسخ ندارد که هیچی، آنچه که خرج کرده همه‌اش بر علیه او تمام می‌شود. پس انسان باید خرج کرد او، زمینه‌هایی که هزینه می‌کند باید خردمندانه و مشروع باشد، در زمینه‌ای باشد که هم شرع تأییدش کند، هم عقل تأیید کند. این هزینه‌ای که تو داری انجام می‌دهی. بعضی‌ها غیرعقلایی هزینه می‌کنند که همان اسراف مصداقش است. گرفتار تجملات می‌شوند، گرفتار تنوع در این بخش غیرمنطقی، منظورم این بود؛ در لباس، در

کسری‌ها و خلأهای زندگی دیگران را یا اُمت را پوشش بدهید. این می‌شود انفاق به معنای خاص که ما اکنون بین خودمان هم وقتی از کلمه انفاق استفاده می‌کنیم با ملاحظه اینکه قرآن کریم کلمه انفاق را بیشتر در این معنای دوم استفاده کرده و یک باب وسیعی را در این زمینه باز کرده و فرمان داده است «**أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ**»^۳ یعنی همین رزقی که در اختیار شما است، مالی که در اختیار شما است شما از آن انفاق کنید، انفاق کنید به این معنا. بعد هم به ما قاعده داد فرمود: «**لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمِمَّا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ**»^۴ و کسانی‌اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند.» امکان

۳ . بقره: ۲۵۴.

۴ . آل عمران: ۹۲.

شما خواندم «**وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا**»^۲ نه اسراف، نه اقتار. هیچ‌کدام، نه اینکه دستش را باز کند هرچه که دارد همین‌طور بی‌حساب خرج کند که گرفتار اسراف بشود. نه دستش را ببندد، که آنجایی که باید هزینه کند، آنجایی که باید گشایش کند، مثلاً می‌گویند شما راجع به خانواده‌تان باید گشایش کنید، هر چقدر که بتوانید خدای متعال به شما داده اولین جایی که انسان باید هزینه کند، البته معقول ولی باید راجع به خانواده گشاده‌دستی بکند، اینجا جای آن است.

۲. انفاق خاص

پس این شد انفاق عام. انفاق خاص چیست؟ انفاق خاص آن جایی است که شما به لطف پروردگار متعال موفق می‌شوید با مال‌تان کم و

۲ . فرقان: ۶۷.

صدقه خالصانه، صدها، بلکه هزاران برابر می‌شود

نه فقط گم نمی‌شود به نص آیه قرآن این جنس از هزینه‌کردها، همان انفاق به معنای خاص، این باعث می‌شود که آن هزینه شما ضرب می‌شود در کرم حضرت حق تبارک و تعالی. فرمود بسم الله «أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ؛ هَمَانَد دانه‌ای است که هفت خوشه برویانند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می‌کند.» خیلی آیه دلنشین است. فرمود یک هزینه کوچکی شما کردید ولی این مثل آن بذری است که افشانده می‌شود «أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ» از آن هفت خوشه به دست می‌آید. یک دانه، دانه بود اما الان شد هفت خوشه «فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ

ندارد شما به مقام برّ برسید مگر از طریق انفاق آنچه که دوست می‌دارید، یعنی آن را که به آن تعلق دارید این را در راه خدای متعال با نیت الهی با دیگران مواسات کنید، به اشتراک بگذارید، دیگران را هم بهره‌مند کنید، انفاق کنید. پس از این طریق است که انسان منازل کمال و مراتب معنوی را سپر می‌کند. فرمود: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ» بعد فرمود: «وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» آنکه شما انفاق می‌کنید این در حوزه عنایت حضرت حق است، «فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» معنایش یعنی خدا می‌بیند، خدا می‌داند که چه کار کردید، یک قرآن آن را که خرج کرده باشید در راه خیر خدای متعال این را می‌داند، این گم نمی‌شود، «فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» معنایش این است.

اگر یک وقت مراجعه کرده باشید. شما الان به وقت انجام ندهید، بی‌اعتناء بشوید، غافل بشوید، اقدام نکنید بعد فرض بفرمایید که یک ده روز دیگر، بیست روز دیگر، یک ماه دیگر، صد میلیون به طرف بدهید، این نمی‌شود، این جای آن را نمی‌گیرد. آن روز که شما آن ده تومان را داده بودی آبروی او حفظ می‌شد، ندادی آبروی او ریخت، گرفتار شد، حالا مثلاً رفته زندان، یا فلان مصیبت برای او درست شده شما هم داری کار می‌کنی، همین خودت هستی، اینجا هم داری صد برابر، مثلاً ده برابرش کار می‌کنی، صد میلیون می‌دهی ولی این دیگر آن نیست، این هم خوب است، این هم با یک کمی جبران می‌کند ولی این کجا، و آن به موقع بودن، به وقت بودن و به جا بودن کجا. در آن انفاق، آثار دارد، در اینکه این کاری که شما انجام دادید می‌رود در محیط گرم

مَاءَهُ حَبَّةٌ» در هر خوشه‌ای هم صد دانه هست، می‌شود هفتصد دانه، بعد هم بلافاصله می‌گوید شما خیال نکنید که به همین جا اکتفاء می‌شود «وَاللَّهُ يُضَاعَفُ لِمَنْ يَشَاءُ» دست خدا باز است. این هفتصد که در اینجا ذکر شده این یک مثال است. می‌شود هفت هزار برابر. براساس آن اخلاص و نیت، تمیز بودن نیت و هزینه کردن در جای خودش، به وقت خودش، به موقع خودش به درستی وقتی انجام شده باشد، الان دیدید یک نفر هست یک گرفتاری دارد، این گرفتاری او می‌آید سمت شما، شما مطلع می‌شوید، می‌آید سمت شما لازم نیست به شما مراجعه کند، کافی است شما باخبر باشید فلان کس نیاز دارد. مثلاً فرض کنید که ده میلیون تومان الان ایشان نیاز دارد، کمتر یا بیشتر با یک چنین رقمی، مسأله‌اش حل می‌شود، مخصوصاً

موارد جایز آشکار کردن صدقه

بنابراین اینجا چگونه محاسبه بشود بستگی دارد که این هسته عمل چقدر تمیز باشد، چقدر خالص باشد، چقدر باکیفیت باشد، مخصوصاً شما انفاق می‌کنید، انفاق شما آمیخته با کرامت باشد، منّ و اذی در آن نباشد. منّت در آن نگذارید. حالا یک کسی گفت دیگر ما چه کار کنیم. یعنی یک جور گاهی با قیافه، گاهی با کلمات، مثلاً منّت می‌گذارد. خب خرابش کردی، خرابش کردی یعنی یا اگر طرف اذیت بشود کلاً خط می‌خورد. این طرف که هیچی دستت نیست، آن طرف هم دستت خالی می‌ماند، چون قرین اذیت شده است، آن مؤمن را اذیت کردی. حالا خرج هم کردی ولی خب اذیتش کردی. فرمود شما صدقات خودتان را با منّت و اذیت فاسد نکنید. اینکه به گردن طرف منّت بگذارید و بخواهید اذیتش

پروردگار متعال، چون انفاق در دست خدای متعال قرار می‌گیرد، مخصوصاً وقتی از سر صدق باشد اسمش می‌شود صدقه، گفت اینکه شما دارید می‌دهید «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ» آیا ندانسته‌اند که خداوند است که توبه بندگان و نیز صدقات را می‌پذیرد؟ فرمود خدا خودش است که می‌گیرد، این دست گیرنده دست خدا تبارک و تعالی است. به قول استاد جوادی می‌فرمودند دست بی‌دستی حق است، منتها حالا آن کسی که به شما مراجعه کرده رسول الله است، رسول خدا است، این فرستاده خدای متعال است به تعبیر امام حسین علیه الصلوٰة و السلام، اگر کسی آمد سراغ شما درخواستش را مطرح کرد.

ما در این جلسه نشستیم مثلاً من دست کنم جیسم مثلاً یک صد هزار تومانی بگذارم اینجا بگویم بسم الله من مثلاً برای رفع نیاز فلان مؤمن، من آدم وسط ایها الناس بیایید. اگر من خالص باشم در این کاری که انجام دادم و ظرفیت داشته باشم، هرچه که دیگران بیاید من هم در آن سهم هستم. منتها طرف خیلی باید ظرفیت داشته باشد که گرفتار آن اختلال در نیت نشود، گرفتار ریا نشود، بروند دیگران تعریف کنند، ته دلش وقتی هم تعریف می‌کنند بگوید آهان خوب شد. گفتند بین فلان کس چقدر آدم خوبی است، چه کارهای خیری از او برمی‌آید، این چنین است، خلاصه آداب خودش را دارد.

کنید؛ مثلاً دارید به او کمک می‌کنید، ولی با چشم‌تان، با نگاه‌تان به او منت می‌گذارید. لذا انفاقات هرچه سرّی‌تر باشد بهتر است، گشایش‌های آخرتی‌اش بیشتر است. مگر آنجایی که بنا باشد با انفاق جنابعالی، باب انفاق دیگران باز بشود، دیگران تشویق بشوند. آنجا علانیتش بهتر است. ولی جالب است «سرا و علانیة»^۷ که در قرآن کریم تصریح می‌شود که هر دو خوب است، هر دو را خدای متعال دوست دارد. سرّی‌اش کارگشایی قیامتی آن خیلی زیاد است، علنی شدن آن خیلی ظرفیت می‌خواهد که تو خراب نشوی. یعنی آن کسی که انفاقی کرده و انفاق آشکار انجام داده، انفاق آشکارش هم قصدش چه بوده؟ قصد خیر بود. گفت من یک کار خیری بکنم که دیگران هم دعوت بشوند، خیلی خوب اکنون

انفاق هم باید بابرکت باشد

واقعاً بعضی از گزارش‌ها و زندگی‌ها و این‌ها را می‌بیند، بعضی‌ها خیلی موفق هستند. یعنی این هزینه‌ای که کرده چقدر بجا، چقدر تمیز، چقدر به موقع، چقدر درست، در چه زمینه‌های درستی و چه آثاری، چه فوایدی، چه برکاتی. انسان در آن می‌ماند. بعضی‌ها هم بودند اهل انفاق بودند اما انفاقاتشان خیلی به این معنا برکت نداشته است. زحمت کشیدند کاری کردند، کتابی نوشتند اما خیلی اثری نداشته است. اما یک کسی می‌بینی خیلی مفصلش را نوشته، دیگری را می‌بینی نه، مختصرش را نوشته است. ولی بیا و بین چه خبر است. خیلی فرق می‌کند. مثلاً در آثار مرحوم محدث قمی که حالا بین ماها معروف به آشیخ عباس قمی است، آیت‌الله است، مجتهد است، محدث عالی قدر شیعه است، این وجود نازنین دست به هر قلمی برده، هر

این جنس از انفاق را شما الان به لطف خدای متعال، به هدایت حضرت سید الساجدین (علیه‌الصلوة‌والسلام)، اینجا می‌خواهید، می‌گویید خدایا من را هدایت کن. این توضیحی که من دادم این قدر مهم است، این قدر حساس است که امام (علیه‌الصلوة‌والسلام) به ما آموزش می‌دهند شما باید از خدای متعال برای انجام این چنین انفاقی هدایت بخواهید. خدای متعال هدایت کند که درست بتوانی خرج کنی. چه به معنای اول، ما خرج کردمان در محیط درستی انجام بشود، چه به معنای دوم که اصلی است، در کار خیر. پس الان این خیر مقدم است یا این خیر؟ گاهی انسان دو تا، سه تا کار خیر جلوی اوست، کدام یکی ترجیح دارد؟ کدام اولویت دارد؟ این هدایت می‌خواهد. بعضی‌ها خیلی موفق هستند، انسان می‌خواند

حالا مادی‌اش هم همین‌طور است، این یک مقدار جنس معنایی‌اش آن هم جنس مادی‌اش. پس جمله پایانی خیلی اهمیت پیدا کرد (وَ أَصْبَبِي سَبِيلَ الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقْتُ مِنْهُ). یعنی در آن چیزهایی که من هزینه می‌کنم؛ در امور خیر، در امور برّ که انفاق می‌کنم، در آن موارد من را هدایت کن که بهترین را انجام بدهم. اینجا حضرت در واقع عنایت الهی را می‌خواهد که این کاری را که دارد انجام می‌دهد تحت هدایت و عنایت و رهبری حضرت حق تبارک و تعالی باشد تا درست به موقع، با آداب، صحیح، تمیز در آن مواضع خودش انجام بشود که من در چه کار خیری، در کدام برّ الان می‌خواهم وارد بشوم از انواع وجود برّ، این به هدایت الهی در آن وارد بشوم که خدای متعال بیشتر می‌پسندد. پس این هم شد این جمله پایانی؛ (وَ أَصْبَبِي سَبِيلَ

کاری کرده این خصوصیت را دارد. حالا همین مفاتیح او را ببینید، خیلی عجیب است، کنار قرآن الله اکبر. یعنی قرآن است و مفاتیح. خیلی‌ها بعداً آمدند مفاتیح‌های مختلف، کتاب دعا‌های مختلف، سلمنی الله و ایاهم، کارهای خوبی کردند، اما این کجا و آن کجا. می‌گویم کنار قرآن کریم همین جور قدم به قدم در زندگی همه دوستان اهل بیت علیهم السلام هست. ممکن است صحیفه هم نداشته باشند، نهج البلاغه هم نداشته باشند اما مفاتیح را دارند. خدای متعال بر درجات امام راحل عظیم‌الشان مان بیفزاید، وقتی ایشان را به ترکیه برده بودند برای تبعید و آنجا در محدودیت هم بودند، ایشان فرموده بودند فقط یک قرآن یا یک مفاتیح به من بدهید، من دیگر چیزی نمی‌خواهم، یک قرآن یا یک مفاتیح. این است.

الْهُدَايَةِ لِلْبِرِّ فِيمَا أَنْفَقَ مِنْهُ.»

ماه رجب، ماه اختصاصی دعاست

چند جمله هم راجع به ماه مکرم رجب عرض کنم. امروز ما محضر رهبر عزیزمان، امام عالی قدرمان، عشق‌مان حفظه الله تعالی شرفیاب بودیم. یکی از رفقا از حضرت آقا سؤال کردند که راجع به ماه رجب شما یک نکته‌ای به ما بگویید، از بین همه قضایای ماه رجب ایشان فرمودند دعا، فرمودند به دعاهای ماه رجب اهمیت بدهید. چون جمع هم جمع فضلالی برجسته‌ای بود و از آن آقایان هم خواستند فرمودند هم خودتان بهره‌مند بشوید و هم این‌ها را با مردم در میان بگذارید، این کلمات را برای ما توضیح بدهید، شرح بدهید. ماه رجب می‌دانید از جهت تنوع دعا خیلی خاص

است، در ماه‌های سال خیلی برجسته است، البته ماه مبارک رمضان که داستان مستقل خودش را دارد. یک بخش عمده‌ای از ادعیه ماه مکرم رجب با همان تنوعی که دارد، یک بخش عمده‌ای از آن از حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) صادر شده است که من به دوستان گفتم این‌طور به نظر می‌رسد که ماه مکرم رجب اردوی انصارالمهدی (علیه‌السلام) است و حضرت برای کسانی که می‌خواهند در مسیر یاری او قرار بگیرند تغذیه معنوی‌شان را در ماه رجب تأمین کرده است. خیلی باید این را قدر دانست و البته آنچه که از سایر ائمه (علیهم‌السلام) هست.

توقیع ناحیه مقدسه در ماه رجب، دعای مورد توصیه رهبری

حضرت آقا که خواستند امروز مثال بزنند آن مثال‌شان به

است. پس این توقیع شریفی است که حضرت ولی‌الله الاعظم (ارواحنا فداه) از طریق جناب محمد بن عثمان در دسترس دوستان خودشان قرار دادند که از این سفره آسمانی و از این مائده عرشی ان شاء الله بهره‌مند بشوند و دل و جان‌شان را صفا بدهند.

این دعا جزء دعاهای مفصل ماه رجب است، مفصل که می‌گویم از این مثلاً نسخه مفاتیح که الان دست من هست می‌شود مثلاً دو صفحه، می‌گویم مفصل این است، مثل ماه مبارک رمضان نیست که مثلاً مفصلش می‌شود مناجات ابو حمزه. آن وقت حیف نیست که ماها محروم می‌شویم، امروز روز چندم ماه رجب بود؟ پنجم بود که رفت، الان وارد شب ششم شدیم، چشم به هم بزنیم تمام می‌شود. انسان یک برنامه‌ریزی کند، تقسیم کاری کند، تقسیم وقتی کند از

این دعای شریفی است که از ناحیه مقدسه است، این نایب برجسته و پرافتخار امام عصر (علیه‌الصلوة والسلام) یعنی جناب محمد بن عثمان، ایشان نقل کرده است. این پدر و پسر خیلی آبرومند هستند، خیلی بزرگ هستند؛ جناب عثمان بن سعید و محمد بن عثمان. این پسر خیلی فوق‌العاده است، این‌ها همه‌شان مورد عنایات خاص حضرت ولی‌عصر ارواحنا فداه بودند. از این جهت خود این متن علاوه بر اینکه از جهت محتوا عالی‌المضامین است، از نظر سند هم خوب است، ولی در دعاهای خیلی ما سراغ بررسی اسناد معمولاً نمی‌رویم، تسامحی است، بیشتر به متن نگاه می‌کنیم ولی این خصوصیت را هم دارد. البته چند نمونه دیگرش هم که در همین کتاب شریف مفاتیح است آن‌ها هم همین طور هستند، از جهت سند هم مبانی‌اش خیلی محکم

نظر منطق ولایی جان کلام
 جامعه کبیره است. آقا یک
 جمله دارد که العظمه لله،
 العظمه لله، العظمه لله «لَا فَرْقَ
 بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ
 وَخَلْقُكَ فَتَقَهَا وَرَتَقَهَا بِيدِكَ
 بَدْوُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ
 مُنَاءٌ وَ أَدْوَادٌ وَ حَفْظَةٌ وَ رُوَادٌ؛
 و میان تو و آنها جدایی نیست
 جز آنکه آنان بنده مخلوق
 تواند. فتق و رتق آن آیات به
 دست تو و آغاز و انجامش به
 سوی توست... حامی و مدافع
 و نگهبان و مبلغان دین تواند»
 و چه و چه، خیلی فوق العاده
 است. این در باب ولایت است.
 خیلی بزرگ است. از آن طرف
 هم در مضامین توحیدی خیلی
 عالی است. شروعش هم
 خیلی مرتفع است، سَطْحِ دَعَا
 را ببینید «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ
 بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَّا يَدْعُوكَ
 بِهِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ؛ ای خدا از تو
 درخواست می‌کنم به جمیع
 معانی آنچه صاحبان امرت
 دعا کنند.» العظمه لله و الله

این عنایات الهی و چشمه‌های
 فیض بهره‌مند بشود.

این دعا این خصوصیت را دارد
 که در آن توحید با تعبیر بسیار
 عالی و برجسته و ولایت با
 تعبیر بسیار عالی و برجسته‌ای
 مطرح شده که من از سال‌های
 خیلی دور هر وقت راجع به
 این دعا می‌خواهم صحبت
 کنم این جمله را می‌گویم،
 می‌گویم که این دعای امام
 عصر (علیه‌السلام) برای روزهای
 ماه رجب است. وقتی
 می‌گویند این دعا را در هر روز
 از ایام رجب بخوانید منظور از
 روز اینجا به معنای مثلاً روز
 روشن نیست، شب را هم در
 بر می‌گیرد، روز و شب، شبانه
 روز مورد نظر است، این را
 خاطر تان باشد. این دعای جامع
 بین مناجات عرفه اباعبدالله
 (علیه‌السلام) و زیارت جامعه کبیره
 امام هادی (علیه‌السلام) است. یعنی
 از نظر منطق توحیدی جان
 کلام مناجات عرفه است، از

مقامات محمد و آل محمد را می‌کند. این چند جمله پشت سر هم که از همین جا شروع می‌شود که یکی از دیگری بالاتر، «الْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُعْلَنُونَ لِعَظَمَتِكَ؛ آنان که بر سر تو آمین و به امرت مستبشر و شاد خاطرند و به شرح توصیف قدرتت و به بیان عظمتت مشغولند.» العظمة الله «أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنًا لِكَلِمَاتِكَ وَ أَرْكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَ آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَعْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ؛ درخواست می‌کنم به آنچه مشیتت در آنان ناطق است که معدن اسرار کلمات خود قرارشان دادی و ارکان توحید تو و آیات و مقامات تووند که در آن آیات تعطیل نخواهد بود در هر مکان هر که تو را شناسد به آن آیات شناسد.» هر کسی تو را در

اکبر. یعنی من تمام آن معانی و حقایقی که ولات امر تو، انسان‌های کامل یعنی محمد و آل محمد (سلام الله علیهم اجمعین) با آنها تو را خواندند «يَدْعُوكَ» دعا کردند، من همه آنها را از تو می‌خواهم. خیلی این عالی است. اصلاً نمی‌توانم به شما بگویم، یعنی به کلمه واقعاً نمی‌آید که چقدر این جمله بالا است، خیلی بالا است، خیلی بزرگ است.

البته اینجا من اکنون در مقام شرح نیستم، چون احتمالات دارد، ذیلش می‌شود یک توضیحات دیگری هم داد، این «بمعانی» ولی یک معنای شسته و رفته‌اش این است؛ من می‌خواهم همه آنچه که محمد و آل محمد از تو خواستند. خیلی بزرگ است. «بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَ لَاءَهُ أَمْرُكَ» آن وقت تا اینجا می‌گوید «ولاء امرک» اینجا امام (علیه السلام) شرح

چه اسراری پشت سرش هست به خدا پناه می‌بریم، خیلی مطلب بزرگ است.

بعد همین‌طور می‌آیید در پرتو. ببینید وقتی اسم اولیاء را می‌آورید، مقامات اولیاء را می‌گویید، امام (علیه‌السلام) دارد قشنگ ما را می‌برد، این

مقدمات آماده می‌شود تا چی؟ تا اینکه ما یک ثناخوانی کنیم برای پیامبر و اهل بیت «أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ...» دیگر من همه را عبور کردم، نمی‌شود اینجاها را ایستاد. «وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَ تَثْبِيثًا» خیلی جالب است. با

آن مقدمه، با آن زیبایی چینش این کلمات، بعد با تمسک به ذیل عنایات اهل بیت (علیهم‌السلام)

شما می‌خواهید درخواست داشته باشید. درخواست بزرگ شما صلوات است که «أَنْ تَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» بعد «وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَ تَثْبِيثًا».

عالم شناخته، در پرتو معرفت محمد و آل محمد شناخته است، یعنی از اول تا آخر. عجیب است. «يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ» هر کسی شناخته از این طریق شناخته است؛ از آدم (علیه‌السلام) بیا تا سلسله انبیاء، تا اولیاء، همه‌شان.

حالا این ادامه پیدا می‌کند بعد یک دفعه می‌رود در فضای توحیدی. «فَبِهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ؛ از تو و آنها

آسمان و زمین تو پر است برای آنکه آشکار شود که خدایی جز تو نیست.» یعنی با وجود، با نور محمد و آل محمد تمام عالم هستی را

پر کردی، آسمان و زمین را آکنده کردی تا اینکه حقیقت توحید تو آشکار شد. یعنی

درس مکتب محمد و آل محمد درس توحید است، لا اله الا الله است، «حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» حالا این‌ها چیست،

درخواست اصلی دعا

که انسان از برادرش بگریزد» را امشب برای ما خواند. «وَ أَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَ تَثْبِيثًا» ایمان به خدای متعال، ایمان به آخرت، ایمان به قیامت، ایمان به اولیاء، «و تثبیتاً» این مسأله تثبیت است. عزیزان عنایت داشته باشند آن که ایمان را به مقصد می‌رساند تثبیت است و خوش به سعادت آن‌هایی که خدای متعال آن‌ها را در ایمان‌شان تثبیت کرده است. فرمود: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ؛^۹ خداوند مؤمنان را در زندگانی دنیا و نیز در آخرت به سخن استوار، پایدار می‌دارد.» فرمود در دنیا و آخرت خدای متعال اهل ایمان را تثبیت می‌کند، ایمان‌شان را تثبیت می‌کند، یعنی این ایمان محکم شد، ریشه گرفت. دیگر این‌طور نیست که تزلزل پیدا کند. در معرض این جلوه‌های دنیایی و هوا و هوس‌ها و

۹ . ابراهیم: ۲۷.

جهت استحضارتان در این دعا درخواست‌های زیادی مطرح شده اما آن درخواست اصلی که در قلب این دعا جانمایی شده درخواست ازدیاد ایمان و رسیدن به مقام ثبات در ایمان است. «وَ أَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَ تَثْبِيثًا» من ایمانم دائماً زیاد بشود، ایمانم در حال زیاد شدن باشد؛ ایمان من به خدای متعال و آنچه که مربوط به حضرت حق است. در تلاوت امشب آقای زمانی آیات تکان‌دهنده‌ای را خواندند. این‌هایی است که باید انسان را بلرزاند، اگر بلرزی معلوم می‌شود آن ایمان شما در حال تزیاید است. وقتی اسم آخرت می‌آید، وقتی اسم قیامت می‌آید، دل شما می‌لرزد؟ اسم آن زلزله بزرگ می‌آید تو هم زلزله پیدا می‌کنی؟ یا نه خیلی فرقی نمی‌کنید؟ آیه «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنَ أَخِيهِ؛^۸ روزی

سیری مختصر در فرازهای دعا

«وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَثْبِتَانِي»
 حالا جالب است؛ این را که
 امام عصر (علیه‌الصلوة والسلام) اینجا
 می‌آورد بعد شروع می‌کند
 آن جلوه‌های توحیدی را، با
 خدای متعال حرف می‌زند
 «يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ» و... این
 قطعه همان که گفتیم عرفه،
 اولی‌اش گفتیم زیارت جامعه
 این بخش این‌ها است. «يَا
 بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ وَظَاهِرًا
 فِي بَطُونِهِ وَمَكُونِهِ يَا مُفَرَّقًا
 بَيْنَ النُّورِ وَالدِّيَجُورِ يَا
 مَوْصُوفًا بغير كُنْه؛ ای نهان
 در عین آشکاری و ای پیدا در
 عین پنهانی، ای جداکننده نور
 و ظلمت، ای وصف‌شده ولی
 نه به کنه ذات» العظمة لله «وَ
 مَعْرُوفًا بغير شبه حَادٍ كُلِّ
 مَحْدُودٍ وَشَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ
 وَ مُوجِدَ كُلِّ وَ مُخْصِي كُلِّ
 مَعْدُودٍ؛ و ای شناخته‌شده نه
 به مشابه، ای اندازه‌بخش هر
 محدود و گواه هر مشهود
 و آفریننده هر موجود و به

شبهات و شهوات و این‌ها،
 این ایمان ریشه گرفته و
 محکم است و آسیب نمی‌بیند.

جلوه خاص قول ثابت

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ
 الثَّابِتِ» این قول ثابت جلوه
 خاص دارد. جلوه خاص قول
 ثابت که در آن آیه کریمه آمده
 «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» کلمه مبارکه
 توحید است که در همین ماه
 رجب نقل شده است که
 جزء اعمال ماه رجب یکی اش
 همین فراوان گفتن لا إِلَهَ إِلَّا
 اللَّهُ است، یعنی ورود دارد. یا
 مثلاً فراوان خواندن سوره
 مبارکه توحید، سخن از هزار
 است. سوره توحید را فراوان
 بخوانند. البته رعایت آنچه
 که عدد هم گفته می‌شود
 به جای خودش خوب و لازم
 است. ولی منظور فراوان است.

را هم که خود آن‌ها تجلیات نور محمد و آل محمد هستند (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین)، اینجا حضرت می‌آورد «وَبِهِمُ الصَّافِينَ الْحَافِينَ». آن درخواست ویژه چه بود؟ «وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيْمَانًا وَتَثْبِيْتًا» یعنی اصل مسأله، جان کلام همان است. اما اینجا چقدر این قطعه قشنگ است «وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ» خدایا این ماه رجب که ماه گرامی است نزد تو، این را برای من مبارک قرار بده، البته به صورت جمع هم گفته می‌شود. «بارک لنا» این دعای جمعی است، برای همه‌ی ما، همه‌ی دوستان اهل بیت، همه‌ی اُمت «بِيارك لنا». «وَمَا بَعْدَهُ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ» این را می‌گویند، بعد یک جلوه ویژه‌ای از اسماء الحسنی را اینجا می‌آورد، اسم اعظم را اینجا نام می‌برد «بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ» این را می‌آورد. درخواست چیست؟ درخواست

شمار آورنده هر معدود. «اصلاً می‌بینید آهنگین، شعرگونه است، چقدر دلبری می‌کند (و) فَاقَدْ كُلَّ مَفْقُودٍ لَيْسَ دُونَكَ مِنْ كُلِّ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ؛ و فاقد گرداننده هر مفقود معبودی غیر تو در عالم نیست تویی اهل کبریاء و جلال و جود». این «اهل کبریاء و الجود» اینجا چه دلبری می‌کند از انسان. ادامه دارد «يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بَكَيْفٍ وَلَا يُؤَيِّنُ بَأَيْنٍ يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ؛ ای کسی که او را کیفیت نیست و دارای مکان نیست. ای پنهان از هر دیده». یعنی توحید ناب خالص محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم). به این قطعه که می‌رسد دوباره باب ولایت باز می‌شود. از اینجا باب ولایت باز می‌شود، درخواست صلوات است، بعدش هم «عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ وَبِهِمُ الصَّافِينَ الْحَافِينَ». آن فرشته‌ها

چقدر که هست به آن برکت
 بده. «وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ
 لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا وَاصْلِحْ لَنَا
 حَيِّئَةَ أَسْرَارِنَا» آن سرّ ضمیر
 نهانی ما را اصلاح کن، «حَيِّئَةَ
 أَسْرَارِنَا وَاعْظِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ»
 از طرف خودت به ما امان
 بده. این را که می‌خوانید
 یاد آن مناجات امیرالمؤمنین
 می‌افتید «اسألك الأمان،
 اسألك الأمان». «اعْظِنَا مِنْكَ
 الْأَمَانَ» آن روزی است که
 همه از هم فرار می‌کنند. «وَأَسْتَعْمَلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ» ما
 در زندگی‌مان مبتنی بر ایمان
 شایسته عمل کنیم و در حوزه
 ایمان به کار گرفته بشویم «وَأَسْتَعْمَلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ وَ
 بَلَّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ» خدایا ما را
 به ماه رمضان برسان. این هم
 درخواستش است، آخر دعا
 است. «وَأَبْلَغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ»
 ما را به ماه رمضان، ماه روز
 برسان. «وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَ
 الْأَعْوَامِ» بعد از این ماه رمضان
 هم هر چقدر می‌خواهی

چند جمله است که عال‌العالم
 است، از مغفرت شروع می‌شود
 «وَاعْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَمَا
 لَا نَعَلَّمُ» آن گناهان ما، آن را
 که ما می‌دانیم و نمی‌دانیم
 بر ما ببخش. «وَاعْصِمْنَا مِنَ
 الذُّنُوبِ خَيْرِ الْعِصْمِ» ما را
 در برابر گناهان صیانت کن،
 «وَاعْصِمْنَا» ما مبتلا به گناه
 نشویم، عصمت خواهی است.
 یعنی از ماه رجب این چیزها
 باید دربیاید. «وَاعْفِنَا كَوَافِي
 قَدْرِكَ» در برابر تقدیرهای
 خودت ما را کفایت کن، «وَ
 ائْتِنَّا عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ» با
 آن نگاه زیبای لطیف و مهربان
 خودت بر ما منت بگذار،
 یک نگاهی به ما کن. چقدر
 قشنگ است. «وَلَا تَكُنْ لَنَا إِلَى
 غَيْرِكَ» ما را به غیر خودت
 وگذار نکن. «وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ
 خَيْرِكَ» ما را از خیر خودت
 منع و محروم نکن. «وَبَارِكْ
 لَنَا فِيمَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ
 أَعْمَارِنَا» خدایا آن مقداری
 که برای ما عمر نوشتی، هر

دارد. آن‌هایی که به اعتکاف موفق بشوند پیش رو است، روزه این روزها و استغفار و این‌ها برای هر کسی میسر باشد، هر چقدر ان شاء الله حظ وافر را داشته باشند، ماه مکرم رجب ماه شستشو است، باید خودتان را خوب بشوید، حمام کنید، حمام روح است، «شستشویی کن و آنگه به خرابات خرام / تا نگردد ز تو این دیر خراب آلوده.»^۱ مولا شما را تمیز می‌خواهد. یکی از کارکردهای اصلی ماه رجب همین شستشو و طهارت است. «اللهم صل علی محمد و آل محمد.»

به ما از روزهای خدایی و از سال‌های خوب در عمر ما مقدر کن. «يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ» این یک دعا است.

طهارت معنوی، کارکرد اصلی ماه رجب

چون امام عظیم‌القدر عارف ما امروز در آن جلسه هم راجع به دعا‌های ماه رجب تذکر دادند که این دعا را قدر بدانید، بعد هم از بین دعاها ایشان این دعا را یادآوری کردند. من همان‌جا به ذهنم رسید که باید این فیضی را که امروز ما داشتیم را با بهترین دوستان خودم به اشتراک بگذارم، این شد که گفتیم شما را هم سهیم کنیم، شما هم بهره‌مند شده باشید، حالا کم و بیش دعا را خواندیم، یک قسمتی‌هایی از آن جا ماند ولی تقریباً خواندیم. ان شاء الله که مشمول دعای شما باشیم. ایام البیض در پیش است، اعمال خاص





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر